

جامعه-ناجامه



احمدغلامی

«خوف» واژه غربی است. نه معنای ترس دارد، نه هراس و وحشت. خوف لحظه‌ای از ترس درونی و وحشت از آینده نامعلوم است. آسیاب ویرانه کنار روستا خوفناک است. در گذشته‌های دور حمام‌های عمومی را شب‌ها تعطیل می‌کردند و تاریکی و بی‌برقی، خوف عظیمی در آدمی برمی‌انگیخت. آنچه خوف را از ترس و وحشت متمایز می‌کند، انتظار سرنوشت فاجعه‌باری است که در کمین است. اثرگذاری ترس و وحشت در زمان حال، خوف و بیم از آینده است. جامعه ایران با این وضعیت به‌خوبی آشناست و در آن به سر می‌برد. اگر بخواهیم از همین منظر به فیلم‌های ترسناک نگاه کنیم، درمی‌یابیم که چرا از فیلم‌های ترسناک لذت می‌بریم؛ چون فجایعی را تجربه می‌کنیم که به سر دیگری می‌آید. معمولا این فیلم‌ها پایان خوشی دارند تا ترس و وحشت تبدیل به خوف نشود و در همان مقطع به سرانجام برسد. از دید ارسطو، خوف صرفا ترس از یک خطر خارجی نیست، برای همین در تازدهی‌ها تماشاگران وقتی دچار خوف می‌شوند که می‌فهمند فاجعه‌ای که بر سر قهرمان آمده است، می‌تواند بر سر آنها هم بیاید. قهرمانان ترازوی شبیه آدم‌های معمولی همچون ما هستند که به دلیل خطا یا ضعف دچار سقوط شده‌اند.

یادداشت

عاشورا؛ فراتر از یک آیین



علی‌ریضی

ماه محرم، به‌ویژه ایام عاشورا، را نمی‌توان صرفا مجموعه‌ای از مناسک و آیین‌های مذهبی دانست. ماه محرم به‌ویژه عاشورا، مجموعه‌ای از صحنه‌ها، رفتارها، جلوه‌ها و آموزه‌هایی است که تبیین آن فراتر از قالب مناسکی و آیینی است. محرم در فرهنگ ایرانی پدیده‌ای چندلایه است که در آن ابعاد دینی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تمدنی در هم تنیده شده‌اند. ریشه این واقعه در قیام امام حسین(ع) برای اصلاح امت، احیای آموزه‌های اصیل دینی، مقابله با انحراف در فهم و عمل به دین و نیز ایستادگی در برابر فساد و کژکارکردی قدرت سیاسی قرار دارد. از همین رو، عاشورا از آغاز واجد ابعادی توأمان دینی، اخلاقی و اجتماعی بوده است. تأثیر این واقعه در طول تاریخ نیز بسیار فراتر از یک رخداد صرفا مذهبی بوده است. از اشک‌های آیینی تا مشارکت‌های اجتماعی و از روایت‌های اخلاقی تا الیهام‌های عدالت‌خواهانه، عاشورا در طول تاریخ به بخشی از زیست فرهنگی ایرانیان تبدیل شده است. به همین دلیل، تحلیل محرم تنها در چارچوبی محدود و صرفا سیاسی یا صرفا فرهنگی، تصویری ناقص از این پدیده مهم تاریخی و تمدنی به دست می‌دهد؛ پدیده‌ای که در عین ریشه‌داشتن در ایمان دینی، توانسته است لایه‌های مختلف حیات اجتماعی ایرانیان را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

سوگاری و گریستن عاشورایی؛ زبان مشترک یک حافظه جمعی

برای ایرانیان، محرم و عاشورا با تجربه‌ای عمیق از مهر، همدلی و گریستن گره خورده است. اما این گریستن صرفا سوگاری نیست. در پس آن، هم یادآوری مظلومیت خاندان پیامبر (ص) و هم نوعی بازخوانی رنج‌های تاریخی یک ملت و تأملی جمعی درباره شیوه زیستن در میان این رنج‌ها نهفته است. اشک‌های محرم، در واقع بخشی از حافظه عاطفی جامعه ایرانی‌اند؛ حافظه‌ای که در آن ایمان، رنج، مقاومت، امید و استمرار حیات اجتماعی در هم آمیخته است. از این منظر، محرم به فرصتی برای بازاندیشی در تاریخ، هویت جمعی و نسبت جامعه با ارزش‌های اخلاقی و دینی تبدیل می‌شود. فرصتی برای مفهوم‌سازی درباره دردها، ایستادگی‌ها و تجربه‌های تاریخی جامعه ایرانی.

محرم به مثابه تجربه زیسته

محرم و عاشورا در عین حال نوعی «تجربه زیسته» در فرهنگ ایرانی‌اند؛ تجربه‌ای که از کودکی تا کهن‌سال‌ی در زندگی بسیاری از ایرانیان حضور دارد. بسیاری از ایرانیان نخستین تجربه‌های مشارکت اجتماعی خود را در همین ایام می‌آموزند...

شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵
۱۲ محرم ۱۴۴۸
۲۷ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۱۷
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

شهادت امام مجاهد را تسلیت می‌گوییم

در «شرق» امروز می‌خوانید: عزاداری شام غربیان با حضور عزاداران حسینی در جوار مقتل رهبر شهید • دلایل اجتماعی آسیب‌پذیری زلزله‌های وزنوئلا • ترامپ‌سرم در آمریکای لاتین در حال پیشروی است

«شرق» در گزارشی علت افزایش حملات سایبری به سیستم بانکی کشور را بررسی می‌کند:

چرخه بی‌پایان هک بانکی

گزارش تیریک را در صفحه ۷ بخوانید

دوزلزله مهیب، بحران اقتصادی و سیاسی در کاراکاس را عمیق‌تر کرد

وزنوئلا زیر آوار



این گزارش را در صفحه ۵ بخوانیدعکس: Gettyimages

یادداشت

دیپلماسی نفتی ایران در هند؛ فرصت بریکس برای بازگشت مقتدرانه به بازار جهانی نفت

علی پوریا

آن است که این مجموعه، برخلاف بسیاری از نهادهای بین‌المللی، هر دو ضلع اصلی بازار انرژی را در کنار یکدیگر گرد آورده است. در میان اعضای آن، کشورهایی مانند ایران، روسیه، عربستان سعودی و نیرجه از بازیگران مهم عرضه نفت جهان و از اعضای تأثیرگذار اوپک و اوپک‌پلاس حضور دارند و در مقابل، اقتصادهای بزرگی مانند چین، هند و برزیل از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان و موتور اصلی رشد تقاضای نفت در دهه‌های آینده محسوب می‌شوند. این ویژگی، بریکس را به بستری کم‌نظیر برای ایجاد گفت‌وگو میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و شکل‌دهی به ترتیبات جدید همکاری در بازار انرژی تبدیل کرده است. برای ایران، این ظرفیت از دو جهت اهمیت دارد: نخست، امکان گسترش رایزنی‌های دوجانبه با تولیدکنندگان بزرگ نفت برای تقویت همکاری‌ها و ایجاد درگ مشترک درباره تحولات بازار جهانی و دوم، توسعه روابط راهبردی با مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی که مقصد بخش مهمی از صادرات نفت جهان هستند. چنین رویکردی، دیپلماسی نفتی ایران را از سطح مذاکرات موردی فراتر برده و آن را در چارچوبی نهادمند و چندجانبه قرار می‌دهد. در حاشیه اجلاس بریکس، دیدارهای دوجانبه وزیر نفت با همتایان خود نیز از همین منظر شایان ارزیابی است. این گفت‌وگوها فرصتی برای بازسازی اعتماد، تبادل دیدگاه درباره آینده بازار نفت و تقویت همکاری‌های بلندمدت با شرکای سنتی و جدید ایران بود.

یادداشت

انقلاب ۵۷ راه‌حلی بود برای خروج از تحقیر ۲۰ ساله



مهرداداحمدی شیخانی

شده بود کنار نهاد و به مرور، امام خمینی (ره) را به رهبری انتخاب کرد و نتیجه این حرکت برای خروج از تحقیر که هر بار با کودتا سرکوب شده بود، به فرار دوم محمدرضا شاه انجامید. همان‌طورکه در ابتدا اشاره شد، مخالفان انقلاب ۵۷ در این یک دهه از این گفته‌اند که آن انقلاب فاجعه‌بار بود، اما آیا واقعا نتیجه انقلاب ۵۷ برای کشور فاجعه‌بار بوده؟ گمان نمی‌کنم کسی مخالف این باشد که سیاست را با نتیجه می‌سنجند و نه ادعا. حال بد نیست مروری سریع و فشرده به برخی نتایج ۱۵۰ سال سیاست، پس از شکست در جنگ با روسیه تا شکست ۵۷ بیندازیم:

یک: انقلاب در جنگ هرات، دو؛ شکست انقلاب مشروطه، سه؛ کودتای انگلیسی ۱۲۹۹، چهار؛ اشغال سه‌ساعته ایران توسط پنج هزار سرباز جنگ‌نیده هندی، پنج؛ فرار رضاشاه از ایران، شش؛ فرار اول محمدرضا شاه از ایران، هفت؛

کودتای آمریکایی-انگلیسی ارتش با کمک فواحش و چاقوکشان، در سال ۱۳۳۲، هشت؛ تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس، نه؛ از دست رفتن بحرین با دستور مستقیم انگلستان، ده؛ فرار دوم محمدرضا شاه و کل خاندانش از ایران، یازده؛ فرار و مرگ هر چهار پادشاه ایران تا پیش از انقلاب ۵۷.

حالا آیا مردم ایران حق داشتند که بالاخره، حداقل برای خروج از این ۱۱ مورد تحقیر ملی، راه‌حلی بیابند؟ یا باید به این سلسله تحقیرها ادامه می‌دادند و هر بار رهبر مملکت با کل خاندانش از کشور فرار می‌کرد؟ تازه این فقط بخش کوچکی از مجموعه تحقیرهای آن ۱۵۰ ساله ملت ما بود.

رئیس‌جمهور:

تداوم زندگی در ارومیه به اصلاح الگوی کشت وابسته است



برگزیده‌ها

با ادامه تعطیلی مجلس نمایندگان در دوگانه بازشناسی یا تشدید اختلافات

اعتراض نمایندگان به ادامه تعطیلی مجلس

گزارش «شرق» از فشار اقتصادی و تجربه جنگ که چهره خشونت را تغییر داده و از خیابان به خانه آورده است

هم‌خانه با خشونت

وزیر نفت در اجلاس کشورهای عضو بریکس بر اهمیت ایران در تنظیم بازار انرژی جهان تأکید کرد؛

ایران مهره طلایی بریکس

بر خلاف ادعاها صندلی‌های استادیوم‌ها خالی نماند

رکورد تاریخی



آقای مظاهری عزیز، احتمالاً ما را از آسمان می‌بینید. تولدتان مبارک... این بار به رسم قدردانی شمع‌ی به یادتان روشن می‌کنیم

یادداشت

خوشحالم از اینکه می‌خندی



روزبه خسروپور

این روزها مردم ایران کمتر از آرزوهایشان حرف می‌زنند و بیشتر از نگرانی‌هایشان. در صف نان، در تاکسی، پشت دخل مغازه‌ها، در راهروهای اداره‌ها و دور میزهای شام، حرف‌ها اغلب از یک نقطه آغاز می‌شود و به همان نقطه بازمی‌گردد؛ به گرانی، به آینده، به خستگی و به دلواپسی. گویی هرکس سهمی از بار این روزگار را بر دوش گرفته است و هر جا فرصتی پیدا می‌کند، آن را برای لحظه‌ای زمین می‌گذارد و از سنگینی‌اش تمام نمی‌شود. زندگی دوباره راه می‌افتد، نانوا خمیرش را ورز می‌دهد، راننده پشت فرمان می‌نشیند، کارمند کارت حضورش را ثبت می‌کند و کاسب کرکه مغازه را بالا می‌کشد. شهر از دور همان شهری است که دیروز بود؛ همان خیابان‌ها، همان ساختمان‌ها، همان رفت‌وآمدها. اما در نگاه آدم‌ها مکتی نشسته است که پیش‌تر نبود؛ سکوتی کوتاه که گاه میان دو جمله سر برمی‌آورد و زود پنهان می‌شود. با این همه، زندگی فقط بر ستون نان و معاش استوار نیست. هر صبح، پیش از آنکه نخستین مغازه باز شود و نخستین اتوبوس ایستگاه را ترک کند، آدم‌ها دلیلی برای بیرون آمدن از خانه پیدا می‌کنند؛ دلیلی که سلام را از پادشان نمی‌برد و رشته گفت‌وگو را میانشان نگه می‌دارد. گاه این میل به ادامه‌دادن، در ساده‌ترین صورت خود آشکار می‌شود؛ در یک لیخند. شاید به همین دلیل است که این روزها مردم بیش از خبرهای خوب، به نشانه‌های خوب دل می‌بندند؛ به خنده‌ای که از مغازه‌ای به پیاده‌رو می‌رسد، به شوخی کوتاهی میان دو همکار، به گفت‌وگوی دو دوست که برای چند دقیقه حساب نگرانی‌ها را می‌بندند، به همسایه‌ای که با لیخند احوال همسایه‌اش را می‌پرسد. این لحظه‌ها لایه قیمت‌ها را پایین می‌آورند، نه گرهی از دشواری‌های زندگی باز می‌کنند و نه فردا را قابل

پیش‌بینی‌تر، اما یادآوری می‌کنند که هیچ‌کس بار این روزگار را به تنهایی بر دوش نمی‌کشد.

ادامه‌در صفحه ۶

ادامه‌در صفحه ۷